لوریس چکناواریان:

به دنبال اسپانسر برای اثر بزرگی درباره زندگی «مولانا» هستم

لوریس چکناواریان که رهبر ارکستر و آهنگساز سمفونی‌هایی چون اپرای «رستم و سهراب»، اپرای «رستم و اسفندیار»، «آفرینش»، «سیاوش»، «ضحاک» و «شمس و مولانا» است و سال گذشته جایزه ویژه «کتاب‌های صلح» سال ۲۰۲۰ را دریافت کرد، از فعالیت‌های اخیر خود سخن گفت.

این هنرمند در آخرین گفت‌وگویش گفته بود که شیوع کرونا برای او از لحاظ آهنگسازی اتفاق خوبی بود؛ چون فرصت این را داشت که داوطلبانه خود را در منزل زندانی کرده و شب و روز مشغول آهنگسازی شود. او همچنین عنوان کرده بود که در آن مدت نزدیک به ۲۰ اثر مختلف نوشته است که البته بیشتر آنها را بر اساس آثار ادبی نویسندگانی همچون صادق هدایت، کامو، کافکا و ... ساخته و داستان‌های مختلف را به موسیقی تبدیل کرده است. همچنین عنوان کرده بود که اثر «عاشورا» را که سال‌ها روی آن کار کرده و اثر «سیاوشون» را تمام کرده است. حال پس از گذشت بیش از یک سال تصمیم گرفتیم تماسی با این هنرمند موسیقی داشته باشیم و احوالات او را جویا شویم. چکناواریان به ایسنا می‌گوید: معمولا کار من کاغذ و مداد است. در سن و سال من برخی در منزل نشسته و کاغذ و مداد در دستشان می‌گیرند که من هم در دوران کرونا بیش از ۳۰ اثر موسیقی نوشتم و همچنان در حال نوشتن هستم. او ادامه می‌دهد: اثر بزرگی درباره زندگی «مولانا» به صورت سوئیت سمفونی نوشته و تمام کرده‌ام و اگر بتوانم برای ضبط آن اسپانسری پیدا کنم خیلی خوشحال خواهم شد. در این دو سال که در خانه زندانی بودم آثار زیادی نوشتم، مانند سوئیت سمفونی «سیاوش»، «عاشورا» و چند موسیقی روی داستان‌های صادق هدایت، کافکا و شکسپیر.

از این آهنگساز و رهبر ارکستر سوال می‌کنیم که تا کنون موفق به ضبط کدام یک از این آثار شده است که می‌گوید: فعلا که پیگری نکرده‌ام ولی اگر اسپانسر پیدا شود مشخص خواهد شد که کدام یک از این آثار ضبط می‌شود. خودم دوست داشتم عاشورا یا مولانا را ضبط کنم ولی باید دید چه خواهد شد. «حال خود شما چطور است؟» پاسخ می‌دهد: همه ما در یک کشتی هستیم و حالمان به هم بسته است.

دوران با هم بودن و تپق زدن‌های دوبله بهتر بود

شوکت حجت، مدیردوبلاژ و گوینده تلویزیون و رادیو می‌گوید: درست است که تک گویی گویندگان به خاطر شرایط کرونایی کار را برای مدیران دوبلاژ دشوار کرده است اما از منظری به نفع گویندگان شده و خیلی هم بد نیست. حجت در گفت‌وگویی با ایسنا درباره فعالیتش در حوزه دوبله و رادیو گفت: در مجموع مانند گذشته خیلی کار مدیریت دوبلاژ انجام نمی‌دهم و بیشتر گویندگی می‌کنم، چون واقعا دشوار شده است؛ به ویژه در این شرایط کرونایی که مدتی است گویندگان تک‌تک به اتاق ضبط می‌روند و واقعا کار مدیریت سخت‌تر شده است؛ ضمن اینکه ما بیش از ۳۰ سال است کار کرده‌ایم، دیگر نوبت جوان‌ترهاست و آنها باید بیشتر کار کنند. این دوبلور درباره اینکه آیا اوضاع دوبله نسبت به چند ماه گذشته بهتر شده است و گویندگان به تک گویی عادت کرده‌اند؟ خاطرنشان کرد: کمی گویندگان به این وضع عادت کرده‌اند. از طرفی من شخصا احساس می‌کنم گاهی در برخی مسائل موهبت می‌شود، مثل همین تک گویی‌ها در دوران کرونا که به نظرم با وجودی که برای مدیردوبلاژها کار را دشوار کرده اما در عوض برای گویندگان خوب است؛ یعنی دیگر گویندگان مثل گذشته تمام وقت از صبح تا شب در اتاق ضبط حضور ندارند و می‌توانند در چند جا مشغول باشند. به خصوص برای جوانان به لحاظ مالی کمک کننده است و در این شرایطی که باید در چند جا مشغول باشند تا از پس هزینه‌ها برآیند، اتفاق خوبی است ولی در مجموع سلیقه‌ای است. وی سپس اظهار کرد: عده‌ای دوست دارند با هم کار کنند که مسلما آن دوران با هم بودن‌ها، خندیدن‌ها، تپق زدن‌ها بهتر بود و حس و حالش خوب بود ولی به لحاظ زمان بندی اگر بخواهیم نگاه کنیم، شرایط فعلی بهتر است چون کمتر وقت دوستان گرفته می‌شود. در هر صورت ان شاءالله اتفاقات خوبی در دوبله بیفتد و شرایط بهتر شود. این گوینده رادیو همچنین به برنامه «صبح جمعه با شما» اشاره کرد و گفت: در کنار کار دوبله همچنان با «صبح جمعه با شما» همکاری دارم و این برنامه به همان روال قبل ادامه دارد ولی من خودم ماهی یک بار سر ضبط می‌روم چون تعداد دوستان زیاد است و به شکل نوبتی کارها ضبط می‌شود. با وجود اینکه فضای رادیو و استودیوها بزرگتر از استودیوهای دوبله است ولی باز هم دوستان پروتکل‌ها را رعایت می‌کنند تا مشکلی پیش نیاید.

خداحافظی از تئاتر و آماده‌سازی مستند «ارژنگ، ریتم و رنگ»

هانا کامکار خواننده، نوازنده ساز دف و مستندساز در گفتگو با هنرآنلاین درباره آخرین فعالیت‌های خود گفت: مستند «ارژنگ، ریتم و رنگ» دومین مستندی است که اکنون در حال تلاش برای آماده کردن آن هستم. موضوع این مستند درباره عمویم ارژنگ کامکار است و از سال ۸۷ پژوهش برای آن را آغاز کرده‌ام. برای این مستند از سال ۸۹ از عمویم تصویر گرفتم و از آرشیوی که داشتم، مطالب مورد نیاز را گردآوری و از سال گذشته تدوین آن را با حضور فریده صارمی آغاز کردم. خوشبختانه اکنون راف‌کات اولیه آن را زده‌ایم و اگر همه‌چیز خوب پیش رود، تا کمتر از یکی دو ماه آینده فیلم آماده نمایش می‌شود.

کارگردان مستند «چاووش، از درآمد تا فرود» در ادامه افزود: با وجود همه کارهایی که برای این فیلم در حال انجام بود، امسال وارد مرحله پژوهش فیلم داستانی بلند خودم نیز شدم تا احتمالا سال آینده فیلمنامه آن را بنویسم و برای تولید آن اقدام کنم.

کامکار با اشاره به بازی در نمایش «هار...» که از اول آذر در تماشاخانه شهرزاد روی صحنه رفته است، گفت: این آخرین نمایشی است که به عنوان بازیگر در آن حضور دارم. در واقع بازی در نمایش «هار...» به کارگردانی افشین زمانی، یک خداحافظی از تئاتر است. چراکه می‌خواهم به این صورت، تمرکزم را به طور کامل روی خوانندگی و فیلمسازی معطوف کنم. این خداحافظی قطعا پایدار است، مگر اینکه روزی بخواهم تئاتری از خودم را کار کنم.

این بازیگر درباره چرایی خداحافظی از دنیای نمایش توضیح داد: متاسفانه در حال حاضر ریه‌ام مجددا با مشکل مواجه شده و همین حالا با کورتن تراپی خودم را به صحنه نمایش رسانده‌ام. ریه‌ام خیلی حال خوبی ندارد و نمی‌توانم مدت طولانی در تهران بمانم. مهم‌تر از این هم این بوده که دیگر به قدری جوان نیستم که بتوانم چند کار را همزمان انجام دهم. به ویژه اینکه فیلم داستانی بلندم نیز خیلی فیلم سخت و پرچالشی است و کار کردن روی آن زمان و تمرکز زیادی می‌خواهد. وی با تاکید بر اینکه تلاش کرده تا در دوران کرونا یک روز هم از دست ندهد، گفت: در این مدت که پاندمی کرونا شرایط سختی را برای ارائه کارهای هنری ایجاد کرده بود، چند کار آماده کردم. به عنوان مثال آلبوم مشترکی با سیاوش کامکار، پسرعمویم کار کردم که به عنوان نسل سوم کامکارها شناخته می‌شود.

کیان‌افراز:

شعر اندیشه تولید می‌کند ولی دچار آسیب‌های جدی است

اعظم کیان‌افراز معتقد است در عصر فناوری و آینده نزدیک شاهد شکل‌های دیگری از شعر خواهیم بود؛ وقتی مدیا وارد شعر می‌شود حتما اجرای آن فرق می‌کند. گروه فرهنگ و ادبیات هنرآنلاین: مدیر انتشارات افراز، با این توضیح که چاپ و انتشار مجموعه شعر همیشه برایم در اولویت است به هنرآنلاین گفت: در رشته زبان و ادبیات فارسی تحصیل کرده‌ام و همیشه شعر جایگاه ویژه‌ای برایم داشته و دارد. شروع کار انتشارات و نخستین کتاب‌هایی که چاپ کردیم با چاپ مجموعه شعر همراه بود، سپس داستان، نمایشنامه و به‌مرور متون دیگر.

او با بیان این‌که شعر تولید اندیشه می‌کند، افزود: در دهه ۸۰ در قالب طرح «شعر امروز ایران» کتاب شاعرانی که چندین سال بود کار می‌کردند مثل شاعران دهه هفتاد را منتشر کردیم و حدود ۲۰ مجموعه در آن مقطع منتشر شد. در اوایل دهه ۹۰ برای معرفی شاعران نسل جوان‌تر مجموعه «از حاشیه» راه‌اندازی شد. همچنین انتشار مجموعه کامل اشعار برخی شاعران پیشکسوت را مدنظر قرار دادیم که چهار دهه فعالیت داشتند ولی مجموعه شعرشان منتشر نشده بود؛ مثل هرمز علی‌پور و زنده‌یادان هوشنگ چالنگی، قاسم آهنین‌جان و شاپور بنیاد. کتاب کیوان قدرخواه شاعر اصفهانی نیز و ... در دست چاپ است.

کیان‌افراز با این توضیح که کتاب‌های شعر در دو طرح «شعر امروز ایران» و «از حاشیه» به لحاظ ساختار، زبان و فرم مستقل و ویژه هستند، ادامه‌داد: حدود ۳۰ جلد کتاب شاعران نسل جوان و کتاب اولی در قالب مجموعه «از حاشیه» معرفی شده‌اند و طرح موفقی بوده است. او با بیان این‌که شعر مخاطب خاص دارد و بسیار سخت فروش می‌رود، تصریح‌کرد: به‌راحتی نمی‌توان مجموعه شعر عرضه کرد و کتاب شعر به‌سختی پشت ویترین کتابفروشی‌ها می‌رود. از ابتدای صنعت نشر تاکنون تعداد ناشرانی که به‌شکل تخصصی مجموعه شعر منتشر کردند به پنج عدد نمی‌رسد. این موضوع جای تاسف دارد در کشوری که شعرپرور، شعردوست است و پشتوانه شعری قوی دارد کتاب شعر خوانده نمی‌شود. البته این روند را حتی در جامعه ادبی شاهدیم و آن‌طور که باید شعر نمی‌خوانند و نقدی هم نوشته نمی‌شود تا شاهد رشد این حوزه باشیم.

کیان‌افراز با این توضیح که به حوزه شعر آسیب‌های جدی وارد است، اظهارداشت: برخی شاعران با پرداخت هزینه شخصی کتاب منتشر می‌کنند که اصولا کیفیت لازم را ندارند. فضای مجازی هم به شرایط بد این حوزه بیشتر آسیب وارد کرده است. بدیهی است هر شاعر یا نویسنده‌ای در زمان چاپ کتاب با وسواس خاصی اثری را منتشر می‌کند، اما با وجود فضای مجازی بدون فکر، نوشته و جملاتی به‌عنوان شعر عرضه می‌شود. همه چیز در حال تغییر است و در عصر تکنولوژی در آینده نزدیک شاهد شکل‌های دیگری از شعر هم خواهیم بود. وقتی مدیا وارد شعر می‌شود حتما اجرای آن فرق می‌کند.

نگاهی به نمایشگاه آثار محسن دائی‌نبی در گالری ثالث

میراث پیشینیان با ذهنیت انسان امروز

نوید جامعی

در آثار دائی‌نبی پیش‌تر نیز فراروی از مرزهای سنت را نظاره کرده‌ایم و این بار او با روشی امروزی به اجرای حروف روی بوم پرداخته است.

به گزارش هنرآنلاین، محو حروف، انسجام یکپارچه لایه‌های بیشمار رنگ که حروف درهم‌تنیده آثار را با خود پیش می‌برند، حرکت هنرمند بر روی لبه بینابینی را به معرض نمایش گذاشته‌اند. میراث پیشینیان در ایستایی روش‌های سنتی که ضمن جاودانگیِ هنرِ نسل‌های متعدد، سکون بی‌حوصله حروف را برجای گذاشته است، رویِ دیگرش مسیر پرتکاپوی ابداعات تازه به مدد نیروی درون‌جوش خلاقیت است.

نمایشگاه «گرافیتی‌های محسن دائی نبی، بی‌خیال دنیا» در گالری ثالث، آثار هنرمندی را به نمایش گذاشته که پیش‌تر نیز فراروی‌های او از مرزهای سنت را نظاره کرده‌ایم و این بار با روشی امروزی به اجرای حروف بر روی بوم پرداخته است.

وحدت متشکّل از درهم‌فشردگیِ حروف از یک سو و عینیت‌یافتگیِ نظمی درونی از سویی دیگر، اشتیاق هنرمند در به کارگیری روش‌های نوین را نشان می‌دهد.

همگونی، از لابه‌لای حروفی که سعی دارند معنای نظم را در ذات پیشامد به مخاطب نشان دهند، به خوبی تشکّل یافته و کاربرد همزمان ساحت نشانه‌ای و نمادین در آثار دائی نبی حرکت او در فضایی توأمان را نشان می‌دهد.

سنت‌گرایی و ابداع تنها در ساحتی امکان‌پذیر است که هنرمند سعی دارد در مرز میان روش‌های کهن و نگاه نو خود را نگه دارد. خوشنویسی ایرانی که سالیان بسیار در ساختاری کهن خود را حفظ کرده، از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته، چونان تمامی روش‌های دیگر هنری اگر از ساحت کهن خود پا فراتر نمی‌گذاشت، به مانند نئوکلاسی‌سیسم قرن نوزدهمی که چشم به رنسانسِ خودبرخاسته از کلاسی‌سیسم یونان داشته است، ظهور روش‌های روح‌نواز کنونی را میسر نمی‌ساخت، و این مهم با ابداعات شگفت‌انگیز در مسیر روش‌ها و سنت پیشینیان ممکن شده است.

این مجموعه از آثار دائی نبی، عمق برساخته از لایه‌های متعدد حروف را که این‌بار با اسپری و روش گرافیتی بر روی بوم نشسته‌اند، عرصه سکون را به تکاپوی حروف بدل کرده است.

نظیر کاری که پیش‌تر نیز در مجموعه «خلقت حروف، پیدایش کلمه» (۱۳۸۸) نظاره کرده بودیم، منتها کارمایه او در این مجموعه، به کلی متفاوت است. کاری که در مجموعه گرافیتی‌ها انجام داده، رنگ‌گذاریِ به ظاهر اتفاقی را نشان می‌دهد که به واسطه رنگ‌پاشیِ آنی بر روی بوم به وسیله اسپری رنگ میسر شده و در این گام، او دو هدف را در یک زمان در نظر داشته است.

نخست استفاده از طرز قرارگیری حروف در مجموعه منظمی است که اتفاقی می‌نماید و مسیر برآمده از خروش عاطفی و تأثر درونی هنرمند، اتفاقی بودن در کار او را به چیزی نظیر نقاشی کُنشی نزدیک ساخته است.

از طرفی دیگر، وجود عمقِ برساخته از قرارگیری حروف و عبارات بر روی یکدیگر، به تماشاگر یادآوری می‌کند که هنر ایرانی بر هنر معاصر دنیا شانه می‌ساید. دیگر اینکه چیدمان حروف، هر سخنی درباره نقشه قبلی در خلق اثر را به کلی باطل می‌کند و این یعنی خلاقیت هنرمندی که سعی دارد از لابه‌لای دفاتر کهن، مرزی نوین را نیز تجربه کند. حضور بارز رنگ در پس‌زمینه آثار، چشم تماشاگر را در رفت و آمد میان لایه‌های رنگ و نمایش حروف، معلق نگه داشته است.

تجلی چشم‌نواز تضادی که تنها با حضور پر رنگ حروف در مواجهه با پس‌زمینه محو از حروف میسر شده است.

چیدمان در هر اثر با دیگری تفاوت دارد و تضاد قانع‌کننده‌ای از تقابل حروف محو با حروف پیش‌زمینه را ارائه داده است. طرز قرارگیری حروف بر روی بوم نیز قابل توجه است. چیدمان دایره‌ای در برخی آثار و امتداد خطی، دائی نبی را وفادار به سنت نشان می‌دهد و ایده او در خلق آثار و به کارگیریِ کارماده صنعتی، پیامی دیگر دارد. در دو اثر از این مجموعه که طرز قرارگیری حروف، لوزی و مربع‌هایی را ایجاد کرده‌اند، تمایز درونمایه برساخته از عمق لایه‌های رنگ را با اَشکال پدید آمده دشوار ساخته و نگاه تماشاگر را در کنگاش میان حروف مشتاق‌تر می‌کنند.

تعدد لایه‌ها به اثری دو بُعدی، محتوایی سه بُعدی بخشیده است. در بسیاری از آثار، حضور حروف با رنگ‌باختگی در برخی از نقاطش، زنجیره‌ای از پندار بود و نبود را پدید آورده که در نقطه انقطاع یکدیگر، اتصال دوباره وجود را ممکن ساخته و هنرمند را به فلسفه هنر شرق نزدیک می‌کند.

در آثاری دیگر هم، عدم خوانایی حروف، تولد اثر را در ذهن تماشاگرِ آن از ابتدا و با ذهنیت مخاطب ممکن می‌سازد. در تابلویی دیگر، در فضای تُهی میان ستون‌های حروف، کنتراست رنگیِ حروف دیگر، ساختار اثر را دگرگون کرده و اوج این فرآیند در اثری دو لته‌ای، شگفتی‌ساز این مجموعه شده است. این دو لته، وحدت حروف در دوایر ممتد را به سوی مرکزی واحد نشان می‌دهند که برای تماشاگر مشتاق خوشنویسیِ ایرانی، یادآور آرامش فضای روحانی مساجد است. در مرکز، نوری خودایستا تمامی حروف را متمرکز و لایه‌های متعدد آن‌ها چه در فضای عمقی بوم و چه در ترتیب قرارگیری، شکلی از انسجام و آرامش را نهادینه کرده که درست در نقطه‌ای از فضای گالری نصب شده که تماشاگر از دیدن باز می‌ایستد. اکنون مخاطب آن‌چه را که می‌خواسته از تماشای آثار به دست آورده است.

محسن دائی نبی در این سال‌ها نشان داده که ضمن پایبندی به سنت خوشنویسی، اشتیاق به خلاقیت در مسیر هنر معاصر و درآمیختن روش‌های نوین با میراث پیشینیان در خلق آثار را نیز در سر پرورانده است. با نگاهی به نمایشگاه‌های گذشته وی، تاکید دائی نبی در فراروی از مرزهای کهن را می‌توان درک کرد.

هنرمند خوشنویس ایرانی تنها با ابداعات تازه در مسیر روش‌های نیاکان است که می‌تواند مرزهای هنر خود و سرزمین خود را به سوی معرفی هنر ایران به دیگر فرهنگ‌ها طی کند و این مهم در رساندن پیام مهر و دوستی در عصری که در آن معنای انسانیت رنگ باخته است، حیاتی به شمار می‌رود. والایش، تنها از مجرای هنر است که روی می‌دهد و تنها در طی این فرآیند است که انسان در مواجهه با امور غریب، زندگی را تاب می‌آورد.

اخبار کوتاه

فیلم نرگس آبیار راهی سوئد می‌شود

دوازدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم «سماع» استکهلم میزبان فیلم سینمایی «شبی که ماه کامل شد» ساخته نرگس آبیار خواهد بود. به گزارش ایسنا، این رویداد سینمایی به مباحثی چون آزادی بیان، دموکراسی، برابری جنسیتی، توجه به حقوق کودکان، و ارزش‌های مثبت زندگی است و فیلم‌های از کشورهای افغانستان، ایران، تاجیکستان، ترکیه، هند، قزاقستان، قرقیزستان و... در این رویداد حضور دارند. جشنواره سماع استکهلم رقابتی است و جایزه تندیس سماع به برگزیدگان اعطا می‌شود. این جشنواره از ۵ تا ۷ آذر در سوئد در حال برگزاری است و «مردن در آب مطهر» ساخته نوید محمودی، «این سو آن سو» از لیدا فضلی، «منتظر می‌مانیم» ساخته محمد شروانی و «دختر ملا» ساخته حسن صلحجو و مهدیه السادات میرحسینی دیگر فیلم‌های ایرانی حاضر در این جشنواره هستند. «شبی که ماه کامل شد» پیش از این در حضورهای بین‌المللی‌اش در جشنواره شب‌های سیاه تالین جایزه بهترین فیلم از نگاه مردم و درجشنواره فیلم‌های سیاسی کاراسون فرانسه جایزه بزرگ هیات داوران به عنوان بهترین فیلم جشنواره، جایزه بهترین بازیگر زن برای الناز شاکردوست و جایزه هیات داوری دانشجویان را دریافت کرده است.

«زیرخاکی» کلید خورد

فصل سوم سریال «زیرخاکی» به نویسندگی و کارگردانی جلیل سامان و تهیه‌کنندگی رضا نصیری‌نیا کلید خورد. به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی این سریال، در نخستین روز از تصویربرداری «زیرخاکی» ژاله صامتی و رایان سرلک در یکی از محلات تهران مقابل دوربین سامان رفتند. ضبط این سریال که برای پخش در نوروز ۱۴۰۱ از شبکه یک سیما تولید می‌شود، فعلا در تهران ادامه خواهد داشت. فصل دوم «زیرخاکی» با به اسارت رسیدن فریبرز و ناصری به دست نیروهای بعثی در جبهه به پایان رسید. چندی پیش با برگزاری بیست و یکمین دوره از جشن حافظ، ژاله صامتی به عنوان بهترین بازیگر زن کمدی و پژمان جمشیدی به عنوان بهترین بازیگر مرد کمدی به خاطر بازی در فصل‌های اول و دوم سریال «زیرخاکی» انتخاب شدند.

بازیگران این سریال تولید مرکز سیمافیلم عبارتند از:

پژمان جمشیدی، ژاله صامتی، نادر فلاح، گیتی قاسمی، مریم سرمدی، خسرو احمدی، اکبر رحمتی، مهری آل آقا، اصغر نقی زاده، رایان سرلک و ستاره پسیانی، با حضور هومن برق‌نورد و هنرمندی نسرین نصرتی.

عوامل «زیرخاکی» عبارتند از:

مدیر فیلمبرداری: امیر کریمی، طراح گریم: عباس عباسی، طراح صحنه: بهنام جعفری، برنامه ریز: میثم نجفی، دستیار یک کارگردان: رضا شریفی، مدیر صدابرداری: جواد مقدس، طراحی و ترکیب صدا: محمد کشفی، طراح لباس: مهرناز اکبری، تدوین: نیما حسن دوست، آهنگساز: آرش بادپا، منشی صحنه: مرجان تاجیک، مدیر تولید: جواد راهزانی، مدیر تدارکات: حسین لنجابی، عکاس: مهسا طیب طاهر، مدیر روابط عمومی: مریم عرفانیان.

«عزیز» منتشر شد

رمان «عزیز» نوشته سعید نجفی منتشر شد. به گزارش ایسنا، در معرفی انتشارات کتاب نیستان از این رمان ۲۵۲ صفحه‌ای آمده است: «عزیز» اولین رمان سعید نجفی، یک عاشقانه اجتماعی است که حول محور پیرزنی خوش‌مشرب، که با نوه خود، در خانه‌ای دوطبقه در یکی از محلات قدیمی تهران زندگی می‌کند، شکل گرفته است. مستاجرهای جدید این پیرزن، چهار دختر دانشجو هستند و حضور آن‌ها منجر به حوادثی می‌شود که داستان را پیش می‌برد. نویسنده سعی تا با روایت خاطراتی از پیرزن که همه او را عزیز صدا می‌زنند، پلی از گذشته به حال زده و یادآوری کند حضور افراد سالمند در کنار نسل جوان، نه تنها، الزاما کسالت‌آور نیست، بلکه در بسیاری از موارد، تجربیاتش راه‌گشاست. پرداختن به حال و هوای مجالس مذهبی و مراسم آیینی، از دیگر ویژگی‌های این رمان است که نویسنده، از تجربیات شخصی خود در این زمینه بهره برده است.

«یوسا» عضو فرهنگستان ادب فرانسه شد

«ماریو بارگاس یوسا» نویسنده پرویی برنده نوبل ادبیات علی‌رغم محدودیت سنی عضو جدید فرهنگستان زبان و ادبیات فرانسه شد. به گزارش ایسنا به نقل از رویترز، آکادمی فرانسه (فرهنگستان زبان و ادبیات فرانسه) که هدف آن شکل‌دهی به استانداردهای زبان فرانسه است اعلام کرد «ماریو بارگاس یوسا» نویسنده معروف اهل کشور پرو را در حالی به عنوان عضو جدید خود انتخاب کرده که او ۱۰ سال از محدویت سنی جذب اعضا پیرتر است و تاکنون هیچ کتابی به زبان فرانسه نداشته است! «یوسا» که به سبب انتقادهای تند نسبت به حکومت نظامی مستقر در کشور پرو، در دهه ۱۹۶۰ میلادی به یکی از چهره‌های شاخص ادبیات آمریکای لاتین تبدیل شد، با ۱۸ رای از میان ۲۲ رای موجود، به عضویت آکادمی فرانسه درآمده است. «قهرمان عصر ما»، «سور بز»، «خانه سبز»، «گفت‌وگو در کاتدرال»، «شهر سگ‌ها» و کتاب جدید «روزگار سخت» از مهم‌ترین آثار این نویسنده ۸۵ ساله برنده نوبل ادبیات است. او در حالی عضو جدید آکادمی فرانسه شده که بر اساس قانون هیچ یک از اعضا نباید بیش از ۷۵ سال داشته باشند. روزنامه لوموند فرانسه در واکنش به این انتصاب نوشته گرچه «یوسا» نویسنده‌ای فرانسوی نیست اما به واسطه مدت زمانی که در پاریس زندگی کرده، توانایی صحبت به زبان فرانسه را دارد. «امیل زولا» و «ژول ورن» از چهره‌های ادبی نامدار فرانسه بودند که چندین بار دعوت آکادمی فرانسه (فرهنگستان ادب و زبان فرانسه) را برای عضویت در این نهاد ادبی رد کردند.

«سیاه» را به اندرونی سلطان راهی نیست

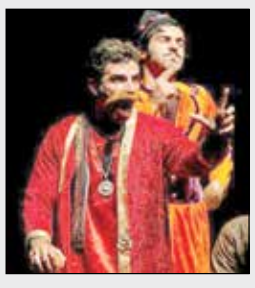

گروهی مطرب قصد اجرای برنامه در اندرونی شاه را دارند ولی از آنجا که سیاه زبانی سرخ و آتشین دارد، او را به اندرونی شاه راه نیست. این خلاصه‌ای است از داستان نمایش «پری» که برای شرکت در جشنواره تئاتر آیین سنتی آماده می‌شود. به گزارش ایسنا، متن این نمایش نوشته خیرالله تقیانی‌پور است که پیش از این هم خودش آن را روی صحنه برده و حالا قرار است با کارگردانی احسان جانمی ریزی در بخش صحنه‌ای بیستمین جشنواره تئاتر آیینی سنتی روی صحنه برود. کارگردان این نمایش در توضیح بیشتر جزییات آن می‌گوید: این نمایش داستان گروهی مطرب است که قصد اجرای نمایش در اندرونی پادشاه را دارند اما از آنجا که سیاه به عنوان یکی از اعضای این گروه زبانی سرخ دارد، موفق به راه یافتن به اندرونی پادشاه نمی‌شود و در ادامه این ماجرا اتفاقاتی رخ می‌دهد. جانمی ریزی با اشاره به اینکه نمایش «پری» درباره هنر و هنرمند است، ادامه می‌دهد: این اثر به نفس اجرای هنر در ملا عام و میان مردم و فلسفه پشت آن می‌پردازد و به نوعی حدیث نفس یک گروه نمایشی است.

او درباره شیوه اجرای این نمایش توضیح می‌دهد: در این نمایش به اتفاق دیگر دوستانم در گروه نمایشی «کاوش» از شیوه‌های اجرایی متنوعی همچون سیاه‌بازی، نقالی، بقال بازی و معرکه گیری بهره گرفتیم و بر این باور هستیم که باید از مسیر این آثار به احیای آئین‌ها و سنت‌های نمایشی دست یابیم.